



انترناسیونال ۱۹۵

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۱۸ خرداد ۱۳۸۶، ۸ ژوئن ۲۰۰۷

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سرمدیر: محسن ابراهیمی



این کنگره نماینده فریاد اعتراض سوسیالیستی مردم است سخنرانی افتتاحیه حمید تقوائی در کنگره ششم

ضرورت واقعی و عاجل را منعکس میکند. بدون مبارزه برای آرمان و هدف سوسیالیسم، بدون اعتراض و نقد سوسیالیستی به این دنیا و حزبی که بخواهد و بتواند این نقد را نمایندگی کند، سازماندهی و

صفحه ۲

یک جنبه از قضیه است. جنبه مهم تر اینست که وقتی به جامعه نگاه میکنید و شرایط سیاسی در ایران و در سطح جهانی را مد نظر قرار میدهید باز هم به همین نقش و جایگاه واقعی و عملی سوسیالیسم و حریت در شرایط مشخص امروز میرسید. این کنگره فقط یک نیاز و

اسناد و مصوبات و مباحث کنگره اشاره ندارد. وقتی وارد این مباحث بشویم و یا نگاهی به لیست دستور جلسه که الان در مقابل شماست بیاندازید خواهید دید که تقریباً تمام قطعهنامه ها و اسناد پیشنهادی از زوایای مختلف به سوسیالیسم و حریت پرداخته اند. ولی این فقط

دارند اسمی برای آن انتخاب میکنند. نظر من که در شماره قبلی انترناسیونال نیز مطرح کرده ام اینست که کنگره ششم کنگره سوسیالیسم و حریت است. اینجا میخواهم در این مورد کمی توضیح بدهم. از نظر من عنوان "سوسیالیسم و حریت" صرفاً به مضمون و متن

رسم است که معمولاً کنگره ها با اسم و عنوان مشخصی شناخته میشوند. البته این یک اسم گذاری رسمی و حزبی نیست ولی معمولاً کادرها و اعضای رهبری متناسب با وضعیت سیاسی که کنگره در آن تشکیل شده و مضمون اسناد و بحثهای آن و یا انتظاری که از کنگره

اجلاس

نمایندگان بربریت در آلمان

در حاشیه اجلاس سالانه

سران ۸ کشور صنعتی جهان در آلمان



سعید پرتو

امروز سی و سومین جلسه سران ۸ کشور بزرگ صنعتی جهان در شهر ساحلی هایلینگندام در آلمان آغاز به کار کرد. رهبران کشورهای گروه ۸ گروه هم آمدند تا طبق معمول هر ساله به بحث و گفتگو در مورد مسائل سیاسی، اقتصادی و محیط زیستی جهان بپردازند، مسائلی که خود این باصطلاح رهبران و سیستم تحت کنترل آنها مسبب و علت وجودی آن هستند.

ایده برگزاری این اجلاس سالانه به بحران نفتی سال ۱۹۷۳ که بحرانی جهانی را به دنبال داشت برمیگردد. پس از این بحران در سال ۱۹۷۴ به ابتکار آمریکا گروهی به اسم "گروه کتابخانه" تشکیل شد که این گروه متشکل از نمایندگان ارشد

صفحه ۵

جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار (آی ال او) اخراج گردد!

اعتراض به حضور نمایندگان جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار و در حمایت از مبارزات کارگران ایران و خواستهای حق طلبانه آنها

صفحه ۸

نامه سرگشاده مینا احدی

به همه نهادهای مدافع حقوق انسانی:
متحدانه و بهر طریق ممکن، کمک کنید
خالد هردانی و کبرا نجار را نجات دهیم!

"تلفن کردن از سلول مرگ و شنیدن صدای محکومین به اعدام و سنگسار، برای اینکه کمکشان کنیم، یک پدیده منحصر بفرد است. پدیده ای دردناک و بسیار سخت و در عین حال این تلفن‌ها و نلرزیدن صدای محکومین به اعدام و سنگسار، بیانگر اعتماد و امید آنها به ما و مدافعین حقوق انسانی است."

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ سخنرانی افتتاحیه حمید تقوایی

رهبری کند و پرچم اش را برافرازد، نمیتوان حتی در این دنیا زندگی کرد، نمیتوان امید به آینده داشت. بدون حزب، انسانیتی که امروز مدام در حال نفی و انکار شدن و زیر پا له شدن است در هیچ سطحی نمایندگی نخواهد شد. و همه جنبه شورانگیز قضیه اینجاست که در جامعه ایران این مبارزه و نقد و اعتراض سوسیالیستی امروز يك واقعیت قابل مشاهده و زنده است. مارکس میگوید تاریخ بشری تاریخ مبارزه طبقاتی است که به اشکال مختلف گاه پنهان و گاه آشکار در حال جریان است. امروز در جامعه ایران دوره "آشکار" رویارویی طبقات است. موضوع و مضمون این رویارویی محلی و بومی نیست بلکه يك جنبه قوی جهانی دارد. امروز تحولات جامعه ما، شرایط سیاسی و مبارزه در آن جامعه، انعکاس و بروز و نماینده يك مبارزه عمیق طبقاتی در سطح جهانی است. و این همانطور که اشاره کردم مبارزه ایست آشکار و عریان که هر روز در برابر چشمان ما در جریان است. من حتی تصور را نمیکردم که در زندگی سیاسی ام شاهد شرایطی باشم که از يك طرف مردم، کارگران و زنان و جوانان، در خیابانها پرچم سوسیالیسم برای رفع تبعیض را بالا ببرند و اعلام کنند "یا سوسیالیسم یا بربریت" و از طرف دیگر کمپ بربریت در حکومت و در اپوزیسیون روی مذهب و نژاد و قومیت و جنگ و همسایه کشی در جامعه ایران حساب باز کرده باشند. این دو قطبی را بطور وسیع در همه جهان داریم ولی تحولات و مبارزات جاری در جامعه ایران بخاطر شرایط مشخص سیاسی چند دهه اخیر بروز و نمود برجسته و آشکار این نبرد طبقاتی جهانی است.

ما مدتها قبل اعلام کردیم که قطنی طبقاتی در ایران در حال شکل گیری و عمیق تر و حاد تر شدن است. امروز این دیگر يك حکم نظری تحلیلی نیست، واقعیتی غیر قابل انکار در برابر چشمان ما است. امروز جنبش کارگری و طبقه کارگر در محور صف اعتراض مردم و جنبش سرنگونی قرار دارد. اتفاقی نیست که دانشجویان پرچم سوسیالیسم یا بربریت را بلند میکنند و اتفاقی نیست که در روز

جهانی کودک بیانیه میدهند که برای رهائی کودکان کار و خیابان باید این دنیای وارونه را تغییر داد. اتفاقی نیست که علیرغم تلاشهای ملی اسلامیون و سلطنت طلبها در علم کردن روزهای اسلامی - شاهنشاهی جنبش خودشان، هشت مارس بعنوان روز زن در جامعه تثبیت میشود و در هشت مارس امسال، چپ جامعه را به لرزه در میآورد و رژیم مجبور میشود در تهران و در چند شهر بزرگ عملاً نوعی حکومت نظامی بر پا کند. اتفاقی نیست که کارگری که در جریان اعتصاب شرکت واحد میخواهد برود به زندانبانان خودش را معرفی کند تا همسر و بچه اش که به گروگان گرفته شده اند آزاد شوند ابتدا با تلویزیون انترناسیونال تماس میگیرد، از اعتصاب و خواستهای بر حق اعتصاب دفاع میکند، بیانیه کوبنده ای علیه نظام سرمایه میخواند و بعد به زندان میرود. این اتفاقات نشاندهنده چیست؟ چرا اینطور است؟ پاسخ روشن است، طبقه ای پا بمیدان گذاشته است که از انقلاب مشروطه تا امروز به بندش کشیده بودند، حاشیه ایش کرده بودند، نمیگذاشتند حرفش را بزنند، نمیگذاشتند پرچم اعتراض همه محرومان جامعه باشد، از انقلاب مشروطه تا امروز بارها سرش را بریدند، زندانها و گورستانها را آباد کردند، خاورانها را درست کردند. نسل بعد از نسل هر کس را که از حقانیت و آرمان کارگران سخن گفت، چپها و کمونیستها را، زدند و بستند و کشتار کردند. به کمونیستها گفتند نوکر اجنبی و ارتجاع سرخ و وطن فروش و سرشان را بریدند. و این طبقه را نزدیک به يك قرن است از وقتی پا به عرصه جامعه گذاشته دهانش را بستند و خفه اش کردند و اجازه ندادند در سیاست حرفش را بزنند و نمایندگی بشود.

امروز کارگران با حزبشان بمیدان آمده اند که اعلام کنند دیگر بس است! جنبش کارگری با صدای بلند دارد اعلام میکند که آن دوره گذشت. طبقه کارگر اعلام میکند بمیدان آمده است نه برای اینکه نفت را ملی کند تا پول آن را بجای

سرمایه دار خارجی سرمایه دار خودی ببرد و صنعت ذوب آهن را رشد بدهد و یا از معادن خاک پاك ایران جامعه را برای يك مشت انگل سرمایه دار زیر سازی اقتصادی بکند. و یا راه رشد سرمایه داری و رشد غیر سرمایه داری را هموار کند. طبقه کارگر بمیدان آمده است که فریاد بزند سوسیالیسم و یا بربریت! امروز کل صف اعتراضی در جامعه همین را میگوید. دانشجویان را میگوید و زنان همین را میگویند و هر محرومی که از این وضعیت ناراضی است، زنی که حجاب و آپارتاید جنسی نمیخواهد، کسی که خواهان زندگی انسانی برای کودکان است، کسی که میخواهد جواب ناسیونالیستها و قومپرستهای آذری و کرد و بلوچ و عرب را بدهد فریاد میزند سوسیالیسم! میگوید يك کره زمین يك انسان. یعنی نه تنها فدرالیسم را قبول نداریم، نه تنها شقه شقه کردن جامعه به اقوام و مذاهب را قبول نداریم، بلکه مرزهای کشوری را قبول نداریم، يك کره ارض يك انسان! این انعکاس حضور و ابراز وجود سیاسی طبقه ای است که صد سال است نگذاشته اند جلو بیاید. و نگذاشته اند پرچم رهائی جامعه را بلند کند. این طبقه این بار با حزیش قدم بجلو گذاشته است.

بی جهت نیست که همه کسانی که به این حزب حمله میکنند ناگزیرند انقلاب و سوسیالیسم و حضور زنده و قدرتمند اعتراض سوسیالیستی در جامعه را انکار کنند. کسی که به این حزب حمله میکند ناگزیر است پایه های اجتماعی آنرا زیر سؤال ببرد. اول باید جنبش کارگری را تحقیر کنید، يك تصویر مستاصل و درمانده و مرعوب شده از جنبش کارگری بدست بدهید، تا بتوانید بگوئید این حزب چیزی نیست. باید بگوئید فعالین جنبشهای اعتراضی زیر چتر دوزخدایها و غیره هستند تا نتیجه بگیرید این حزب در جامعه حضور ندارد. باید بگوئید شانزده آدر مهم نبود، باید شعارهای سوسیالیستی را پپای حزب توده بنویسید، باید ادعا کنید پلاکارد سوسیالیسم بپا خیز برای رفع تبعیض در تجمع اعتراضی معلمان "فتو شاپ" بوده است، مجبورید واقعیات را به نحو مضحك و رقتباری انکار کنید تا

حزب را انکار کنید. نمیشود این حزب را نفی کرد و درعین حال برای مبارزه کارگران در نساجی های کردستان و یا شرکت واحد و یا معلمان هورا کشید و کلاه از سر برداشت. میدانند که این کلاه برای حزب ما از سر برداشته میشود. همه مدعیان ما این را میدانند. همه کسانی که با پرچم دموکراسی بجنگ ما آمده اند این را میدانند. نفس اینکه الان دارند با پرچم دموکراسی و دفاع از فردیت به جنگ ما می آیند نشانه دیگری از قطنی طبقاتی در جامعه است. بورژوازی دارد با پرچم کلاسیک اش در برابر ما ظاهر میشود. تا قبل از این کمونیستها جرمان این بود که نماز نمیخواند، نوکرجاری اند، و یا از صهیونیستها پول میگیرند. همه اینها را بطرف ما پرتاب کردند و شکست خوردند. این نبرد پارتیزانی خرده بورژوازی امروز دیگر کاربردی ندارد، علمداران این نوع حملات ملی - مذهبی به کمونیسم بدنبال شکست جنبش دو خرداد این جنگ را باخند و کنار رفتند. حالا نوبت خود بورژوازی بزرگ است که با علم دموکراسی و فردیت و زردخانه جنگ سردی که در سطح جهانی فراهم کرده است در برابر ما ظاهر شود و در مورد شیخ لنین به حکومت و کل کمپ راست هشدار بدهد. و جرم لنین و حزب لنینی و انقلاب لنینی در قاموس بورژوازی جهانی البته اینست که دموکرات نیست، فردیت را برسمیت نمیشناسد، و راه حل دیگری بجز راه "خشونت آمیز" انقلاب را قبول ندارد. حزب را در مقابل فرد قرار میدهند و حزب را میکوبند. فرد را بجای انسان قرار میدهند و انسانیت را میکوبند.

با پرچم فردیت و فردگرایی بورژوازی بجنگ انسانگرایی سوسیالیستی آمده اند. این حمله کلاسیک بورژوازی به کمونیستها است که باندازه مانیفست کمونیست قدمت دارد. و این خود انعکاسی از پولاریزه شدن طبقاتی جامعه در ایران است. بورژواهای دنیا، بورژواهای ایران، ملی مذهبیون، دو خردایها، استحاله چی ها، مذهبیون و نیمه مذهبیون، چپهای "ضد امپریالیست" نیمه اسلامی، و لیبرالهای نیمه ارتجاعی بدانید غول جنبش کارگری و سوسیالیستی

بمیدان آمده است، این غول را نمیتوانید به شیشه برگردانید. از امروز مبارزه سیاسی را باخته اید. سرود انقلابی که در ایران دارد شکل میگیرد سرود انترناسیونال است، سوسیالیسم در مقابل بربریت سرمایه افق آن انقلاب است، معیشت و منزلت پرچم آن انقلاب است، حزب کمونیست کارگری حزب آن انقلاب است، و سوسیالیسم بپا خیز برای رفع تبعیض فراخوان آن انقلاب است. این سوسیالیسم بپا خاسته است. این کنگره باید این سوسیالیسم را نمایندگی کند. (کف زدن حضار).

به ما میگویند غلو میکنید. میگویند اینطور نیست. میگویند اشتباه میکنید. یکطرفه قضاوت میکنید، فقط برخی از گزارشها را منعکس میکنید. من نمیدانم گزارشات دیگری که مثلاً از خواندن سرود ای ایران و یا شعار "تمامیت ارضی" و یا "بمب اتم حق همه دولتها است" و یا "زنده باد رقابت بازار آزاد" در يك اعتراض و تجمع مردم خبر داده باشند کجاست تا آنها را هم منعکس کنیم. ما غلو نمیکنیم، مدعیان ما انکار میکنند. چرا نمیخواهند واقعیت را ببینند؟ بخاطر اینکه مبارزه طبقاتی دارد به مراحل نهائی اش میرسد. طبقه کارگر با پرچم سوسیالیسم به میدان آمده است و طبیعی است که تمام کمپ راست از جمهوری اسلامی تا چپ غیر کارگری که امرش سوسیالیسم و انقلاب همین امروز نیست در مقابل آن بسیج شوند. راست ضد کارگر سرکوب میکند و چپ غیرکارگری نفی و انکار میکند. و حزب ما باید در برابر کل این کمپ حضور قدرتمند اعتراض سوسیالیستی طبقه کارگر را نمایندگی کند. این حزبی است که تا اینجا در شکل گرفتن این اعتراض نقش داشته است و باید پرچم این جنبش را بلند کند. اگر شما این فریاد اعتراض سوسیالیستی را تاکید نکنید، انکارش میکنید، اگر تکرار نکنید، فراموش اش میکنید و اگر بزرگش نازید تحقیرش میکنید. حزب ما هست تا فریاد سوسیالیستی اعتراض مردم ایران را بزرگ بدارد، تکرار کند، و تاکید کند. (کف زدن حضار).

از صفحه ۲ سخنرانی افتتاحیه حمید تقوایی

در سطح دنیا هم در به همین پاشنه میچرخد. درست است شرایط سیاسی در ایران بحرانی است، حاد است، در صف مقدم مبارزه است، و همانطور که گفتیم مبارزه طبقاتی در ایران آشکار و صریح است ولی این مختص به جامعه ایران نیست. به اشکال پنهان، و در مواردی نه چندان پنهان، در سراسر جهان شاهد این صفتی طبقاتی هستیم. جبهه ای به گسترده‌گی همه کشورها علیه نظم نوین جهانی که بیش از پانزده سال است دنیا را به منجلا ب کشیده، باز شده است. و تمام زواند و تمام ارتجاعی که با نظم نوین جهانی بمیدان آوردند و بر جهان مسلط کردند، از دخالت مذهب در زندگی مردم گرفته تا نفی مدنیت و جامعه مدنی و تا پست مدرنیسم و نسبی گرایی فرهنگی در معرض نقد و اعتراض مردم آزادیخواه قرار گرفته است. به نظر من فجع ترین، ارتجاعی ترین و کثیف ترین حمله ای که در دوره بعد از فروریختن دیوار برلین به انسانیت شد انکار هویت جهانشمول انسانها بود. گفتند انسان به عنوان یک نوع، بعنوان یک موجود جهانی وجود ندارد! نوع انسان نداریم! حیوان جهانی است. وقتی میگویند سگ مشخص است از چه صحبت میکنید اما ظاهرا در مورد انسان نمیتوان این را گفت! همه چیز به مذهب و قومیت و فرهنگ و نژاد و ملیت و جنسیت آن انسان معین بستگی دارد! گفتند ارزشهای جهانی نداریم، خوشبختی و بدبختی نسبی است. گویا مردم دو جور گرسنه میشوند و دو جور میمیرند و دو جور خوشحال و غمگین میشوند. و نه دو جور بلکه ده ها جور متفاوت؛ باندازه تعداد مذاهب و فرهنگها و ملیتها و قومیتها. و جوامع و دولتها را بر این اساس تعریف کردند و دموکراسی بعد از جنگ سرد، بویژه برای کشورهای جهان سوم قدیم، نه به جوامع مدنی بلکه بر عکس به جوامع تقسیمبندی شده به مذاهب و فرقه ها و ملیتها و دولتهای متشکل از سران این فرقه ها و مذاهب اطلاق شد.

ما سوسیالیستها برای جامعه انسانی مبارزه میکنیم، برای جامعه ای بسیار فراتر از جامعه

مدنی. اما مساله اینجاست بورژوازی جهانی در سیاست عملی و نظری اش حتی جامعه مدنی را قبول ندارد و به قرون وسطی رجعت کرده است. پرولتاریا باید پرچم آزادیخواهی و ترقیخواهی و مدنیت تمام نسلهای گذشته را امروز یکجا به دوش بکشد. طبقه کارگر جهان باید علیه مذهب بلند شود. باید علیه سولاریسم بجنگد، باید علیه نفی هویت جهانشمول انسانی بمیدان بیاورد. فقط طبقه کارگر و کمونیسم کارگری در این میدان است. لیبرالی نیست، دموکرات و نیمه دموکراتی نیست، همه مسحور و مجذوب و مالتی کالچرالیسم و تولرانس و تحمل دیگران هستند. آرم و مدال انساندوستی را به سینه زده اند و همه هنرشان تولرانس و تحمل انسانهای دیگر است. تمام فضیلت و کرامت انسانی شده است تحمل دیگران! گوئی نمیتوان با دیگران هم سرنوشت و همدل و هم جنس و هم نوع بود؛ باید همدیگر را تحمل کرد! آن هم البته تا زمانی که منافع قومی - ملی - مذهبیمان ایجاب کند. در غیر این صورت لشکر میکشند و "جنگ تمدنها" به راه میاندازند! به این بربریت میگویند تمدن و این شده است تمام معنی انسانیت و آزادیخواهی در این دوره. امروز این امر بعدده ما کمونیستها است که به همراه تمام آن جهان تمدنی که منصور حکمت بر آن تاکید داشت علیه این منجلا بچا بخیزیم و برای رسیدن به جامعه انسانی بجنگیم. قرار بوده است جوامع مدنی شده باشند! این وظیفه تاریخی بورژوازی بوده است. قرار بوده است مذهب را در سوراخ کند، قرار بوده است مذهب امر خصوصی افراد باشد، قرار بوده است انتخابات مردم سیاسی باشد. آخوند نماینده مردم مسلمان نیست و یا پاپ نماینده کاتولیکها. کاتولیک معتقد باشید و یا نباشید نماینده سیاسی تان کس دیگری است. اینها جزء بدیهیات جامعه مدنی بوده است که امروز تماما کنار گذاشته شده است. مذهب شده است نماینده سیاسی و اجتماعی مردم و سران قبایل و اقوام شده اند رهبران سیاسی جامعه. باید جهان را از این منجلا ب، منجلا بی که منصور حکمت میگوید دنیا

بدون سوسیالیسم به آن در می غلط، نجات داد.

امروز در اعتراض به این وضعیت جبهه ای به عظمت همه کشورهای دنیا باز شده است. مردم دنیا دیگر نمیتوانند این وضعیت را تحمل کنند. و این مهمترین جبهه نبرد طبقاتی در سطح جهانی است. مبارزه علیه مذهب، مبارزه برای سکولاریسم، امروز پرچمش در دست طبقه کارگر و در دست کمونیستهای از جنس ما است. نیرو و جنبش اجتماعی دیگری نیست. همه پرچمها را انداخته اند و در مقابل مذهب و ناسیونالیسم و قومپرستی سجده میکنند، برای اینکه منافع سرمایه و سودآوری سرمایه اینطور ایجاب میکند. این منجلا بی است که سرمایه بوجود آورده است. سرمایه داری امروز دیگر ولتر و روسو و روبسپیر نیست. سرمایه داری امروز بوش و خامنه ای و بلر و خاتمی اند. امروز اینها دارند جهان سرمایه را نمایندگی میکنند. و یک جبهه اصلی نبرد طبقاتی نبرد برای رهائی جامعه از این منجلا ب ماقبل مدنیت است. برای اینکه به جامعه انسانی سوسیالیستی برسید باید به جنگ این منجلا ب بروید.

وقتی این تصویر جهانی را در نظر بگیرید متوجه میشود که مبارزه در ایران به این معنی هم در محور نبرد برای انسانیت است. از یک طرف جمهوری اسلامی است که نماینده و جرثومه عقب مانگی و توحش سرمایه است و فشرده تمام ارتجاع جهانی بورژوازی را در خودش جمع کرده است، و از طرف دیگر در برابر این رژیم جنبش عظیم اعتراضی و سوسیالیستی را دارید که حزب ما نقش تعیین کننده ای در پیشرویهایش داشته است. این مبارزه ای که در ایران در جریان است یک جبهه اصلی نبرد طبقاتی است که به پهنه همه جهان جریان دارد. و موضوع اصلی این نبرد، اگر بخواهم در یک جمله خلاصه کنم، دفاع از انسانیت است در برابر کمپ نیروهای ارتجاعی که انسان را حتی بعنوان نوع نفی میکنند. نفی انسان در تمام سطوح. در سطح سیاسی، در سطح نظامی، در سطح فلسفی در سطح اجتماعی در سطح فرهنگی و از جانب همه نیروهای بورژوا هم در حکومتها و هم در اپوزیسیون

حکومتها. تمام اپوزیسیون غیر کارگری، دولتها که جای خود دارد، از این نظر مشترک اند. همه به نحوی انسان را بر اساس هر چیزی تعریف میکنند بجز انسانیت. و به نظر من هیچ زمان در دنیا معنی این جمله که اساس سوسیالیسم انسان است به این روشنی و به این برجستگی حقانیت و مطلوبیت و ضرورت خودش را نشان نداده است. شما حتی در سر تیترو روزنامه ها میتوانید این را ببینید که چطور انسان و انسانیت هر روز دارد نفی میشود و ما باید در صدها و هزاران جبهه و عرصه پرچم دفاع از انسان را بلند کنیم. اگر تعداد اعضای حزب ما صد برابر هزار برابر این بود باز نیرو کم داشتیم. هر مساله ای به ما مربوط است، هر جنگی به ما مربوط است چون هر جنگ و هر جبهه ای وقتی در آن عمیق شوید و اساس مساله را بیرون بکشید می بینید یکسویش طبقه جهانی سرمایه دار است که دارد انسانیت را زیر پا له میکند و در مقابل طبقه جهانی کارگر است که پرچم رهائی انسانها و جهان متمدن را برافراشته است.

این نبردی است که حزب ما از بدو تشکیل اش پرچم اش را برافراشته و به پیش برده است. و منصور حکمت پیشتاز این حرکت بود. منصور حکمت را متاسفانه از دست دادیم ولی اگر امروز بود کاملاً صحت و درستی و حقانیت تمام نظرات و بحثهایش را در دل مبارزه زنده در جامعه مشاهده میکرد. و مسلم بدانید صدها قدم از این فراتر میرفت. منصور حکمت تمام این پیش بینی ها را کرده بود. هنوز دیوار برلین نریخته بود، هنوز جهان در منجلا ب نظم نوین فرو نرفته بود که که منصور حکمت گفت اردوگاه شرق که فروریزد اردوگاه غرب هم بی معنی میشود. و دنیا را نظم نوین سرمایه، که منصور حکمت طلوع خونین آن را با جنگ اول خلیج اعلام کرد، به آتش خواهد کشید. و عینا این اتفاق افتاد. و بعد در کنگره دوم، در نیمه دهه نود، بود که منصور حکمت پایان این دوره را اعلام کرد. چپ دوباره به صحنه باز میگشت. از نیمه دوم دهه نود ما شاهد این بودیم که آن جشن و پایکوبی روی قبر مارکس و لنین به سرعت به پایان رسید و معلوم شد قرار نیست

سرمایه داری بازار آزاد برای همه صلح و صفا به ارمغان بیاورد. عریبه های پیروزمندانه بورژوازی به سرعت فروکش کرد و دور تازه ای از روند را متوقف کرد یازده سپتامبر بود. در این مقطع بود که منصور حکمت دنیا بعد از ۱۱ سپتامبر را نوشت و راه پیشروی جهان متمدن را در برابر دو قطب تروریستی مشخص کرد. به نظر من این نوشته میتواند مبنای یک انترناسیونال کمونیستی باشد. از نظر تشخیص درست و عمیق جبهه اصلی نبرد طبقاتی در سطح دنیا. تمام جهان را این جنگ تروریستها در بر گرفت و هیچ تحول سیاسی در جهان ما از گوشه آفریقا گرفته تا آمریکای جنوبی و تا آسیا و اروپا و آمریکا نمیتوان یافت که مستقیم و یا غیر مستقیم به این جنگ دو قطب تروریستی مربوط نباشد و یا از آن تاثیر پذیرفته باشد. امروز این دوره هم دارد بپایان میرسد و کاش منصور حکمت در میان ما بود و این را هم میدید. با تجربه جنگ عراق و شکست سیاسی دولت آمریکا در این جنگ این دوره را هم پشت سر میگذاریم. و دنیا دوباره در آستانه یک تعرض عمومی چپ قرار میگیرد. در جامعه ایران این خیلی مشخص و آشکار است و در همه دنیا هم به درجات متفاوت این تعرض قابل مشاهده است. تعرض سکولاریسم با پرچم چپ در اروپا در حال شکلگیری است. و مردمی که از این اوضاع به تنگ آمده اند ماهیت نظم نوین جهانی را شناخته اند و دیگر نه سیاستهای خارجی دولتهایشان را قبول دارند و نه مستضعف پناهی اسلامیونی که میخواهند خود را حتی به همین جوامع غربی تحمیل کنند. اینها موضوعات قطعنامه ها و مباحث دیگری است که در همین کنگره به آنها خواهیم پرداخت. ولی در اینجا بطور خلاصه میخواهم اشاره کنم آن روندی که منصور حکمت دید و استراتژی حزب را بر اساس اش پایه ریخت نقطه عطف دیگری را هم پشت سر گذاشته است. نظم نوین جهانی دیگر رو به افول است. آن روندی که قبل از یازده سپتامبر شروع شده بود و یازده سپتامبر موقتا متوقف کرد دوباره آغاز شده و این بار چپ قوی تر و وسیع تر و

نشریه "کارگران در ایران"

به سردبیری ناصر اصغری منتشر شد

این یادداشت کوتاه را ناصر اصغری به درخواست انترناسیونال برای درج در انترناسیونال ارسال کرده است. انترناسیونال

شماره ویژه کنفرانس سالانه آی ال او نشریه "کارگران در ایران" منتشر شد شماره ویژه نشریه انگلیسی "کارگران در ایران" (Workers in Iran) ویژه کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار، آی ال او به سردبیری ناصر اصغری و با همکاری مهرا مجویبی در ۴ صفحه منتشر شد. IWS که از حروف اول "همبستگی بین المللی کارگری" گرفته شده است نشریه انگلیسی "کمپته همبستگی بین المللی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران" است. ما قبلا این کمپته را در نشریه "کارگر کمونیست" شماره ۱۹ معرفی کرده بودیم. اما اینجا برای اطلاع خوانندگان نشریه انترناسیونال لازم است که بطور مختصر بار دیگر به این کمپته اشاره‌ای بکنیم. این کمپته در احساس کمبود یک ارگان بین المللی که بخواهد اخبار و مسائل جنبش کارگری ایران را به زبان انگلیسی منعکس، و با نهادهای کارگری رابطه منظم برقرار کند، با هماهنگی شهلا دانشفر و همکاری دوستان زیادی از جمله بهرام سروش که مسئول ارتباطات آن

ردی کال تر یا یک انبان تجربه پربارتر بمیدان می آید. و در سطح جهانی هم حزب ما در این عرضه حضور دارد، باید فعالتر حضور داشته باشد و به پیش برود.

اجازه بدهید در خاتمه بطور خلاصه به حزیت هم بپردازم. برای طبقه کارگر و برای جنبش کارگری چه در سطح ایران و چه در سطح جهانی حزب حیاتی است. بدون حزب طبقه کارگر به هیچ جا نمیرسد. این را با همین قدرت در مورد جنبشهای دیگر نمیتوان گفت. چون طبقات دیگر چنین نیاز حیاتی به حزب و حزیت ندارند. جنبش ملی مذهبی، جنبش جمهوریخواه، جنبش سلطنت طلبها میتواند بدون حزب و به همین شیوه جنبشی کارش را یکند و امیدوار باشد که جلو برود و پیروز شود، چرا اینطور است؟ برای اینکه این جنبشها، جنبش طبقات حاکم در جهت موافق آب حرکت میکنند. فرهنگ مسلط فرهنگ طبقه آنها است، قرنها حاکم بوده اند. نمیخواهند از طبقه حاکم خلع ید کنند. قرار است این دار و دسته بروند و دارو دسته دیگری بیایند و هیچ تغییر اساسی هم در اوضاع داده نشود. مذهبی برود و نیمه مذهبی و یا فلان تیمسار و ژنرال بیاید. طبقه حاکمه همان است، استثمار همانست، بیحقوقیها و محرومیت های بخش عظیم مردم جامعه هم همانست. واضح است که این نوع فعالیت سیاسی احتیاج چندان به حزب و حزیت ندارد. ناسیونالیسم، مذهب، قوانین، خرافات همه در خدمت نیروهای بورژوازی و غیر کارگری است. ولی طبقه کارگر که میخواهد کل این اوضاع را زیر رو کند، میخواهد از طبقه حاکم خلع ید سیاسی و اقتصادی کند، میخواهد فرهنگ طبقاتی حاکم و مذهب و ناسیونالیسم و خرافات را از جامعه جaro کند، و میخواهد نه تنها به جامعه بورژوازی بلکه به نظام چند

است، ایجاد شد و در کشورهای مختلفی دوستان و همکاران زیادی را پیدا کرد. جا دارد که اسامی همه این دوستان را ذکر کنم اما متأسفانه به دلیل کثرتشان احتمال دارد اسمی از قلم بیافتد که در این صورت خودم عذاب وجدان میگیرم. در نتیجه بگذارید اینجا از آوردن اسامی خودداری کنم. اما همین را بگویم که بدون یک چنین شبکه‌ای فعالیت این کمپته غیرممکن بود. اینها رفقای هستند که در جنبش کارگری و در تشکلهای کارگری محل زندگی شان انسانهای با نفوذ و معتبری هستند. اگر توجه کرده باشید، در بسیاری از اطلاعاتی و اخبارهایشان بدون اسم بردن، از نشریات و اطلاعاتی این کمپته استفاده میکنند. بهرحال خوانندگان را به مصاحبه شهلا دانشفر در کارگر کمونیست شماره ۱۹ برای شناخت بهتر این کمپته رجوع میدهم. اما این شماره نشریه همچنانکه گفتم ویژه نامه اعتراض به حضور نمایندگان جمهوری اسلامی در کنفرانس سالانه آی ال او است. ما به صورت فشرده در یکی دو روز اطلاعاتی کمپته خارج کشور حزب کمونیست کارگری تحت عنوان "جمهوری اسلامی باید از سازمان

جهانی کار، آی ال او، اخراج گردد!، اطلاعاتی کمیته همبستگی بین المللی کارگری حزب کمونیست کارگری تحت عنوان "در اعتراض به حضور جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار، مروزی بر بخش کوچکی از جنایات جمهوری اسلامی بر علیه کارگران ایران"، نامه اعتراضی کارگران ایران خودرو و نامه اعتراضی "اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار" از تحت عنوان "به مناسبت اجلاس سالیانه سازمان جهانی کار" ترجمه کردیم و در این نشریه درج و منتشر کردیم. این شماره به لیست بسیار بلندی از تشکلهای و فعالین کارگری فرستاده شده است. همچنین آن را تکثیر و در روز اول جلسه در اختیار نمایندگان این کنفرانس قرار خواهیم داد. همچنین بعد از انتشار نشریه نامه های اعتراضی "جمعی از کارگران شهرداری منطقه ۱۸ تهران"، "جمعی از کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران" و "جمعی از کارگران شرق تهران" به دستمان رسید که متأسفانه فرصت ترجمه و انعکاس آنها از طریق این نشریه را از دست دادیم. اما متن فارسی آنها را در "کارگر کمونیست" شماره ۶۰ منعکس کرده ایم. ناصر اصغری

اعتصاب قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه

همچنان ادامه دارد

اعتصاب به بیرون از کارخانه کشیده میشود

نخاوند داد که از بالای سر آنها در رابطه با محل کارشان تصمیم گرفته شود. اعتصاب قدرتمند و متحدانه کارگران نیشکر هفت تپه می تواند یک نمونه موفق و مؤثر بر علیه جمهوری اسلامی و سیاست غارت و چپاول دستمزد زیر خط فقر کارگران باشد. حزب کمونیست کارگری همه کارگران و مردم مبارز، بخصوص در اهواز و شهرهای اطراف هفت تپه را به حمایت فعال از اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه فرا میخواند. حزب کمونیست کارگری ایران ۴ ژوئن ۲۰۰۷، ۱۴ خرداد ۱۳۸۶

گرفت. کارگران التیماتوم دادند که اگر هر چه زودتر به مطالباتشان رسیدگی نشود، اعتصاب را به تجمعات اعتراضی در مقابل استانداری، اداره کار، دادگستری، اداره صنایع و سایر ادارات مرتبط و غیرمرتبط تبدیل خواهند کرد.

کارگران همچنین در خصوص اینکه قرار است جمهوری اسلامی این شرکت را به بخش خصوصی واگذار کند، اعلام کردند که بدون مشارکت کارگران و بدون تسویه حساب با کارگران، کارگران این زد و بند را به هم خواهند زد و اجازه

بنابر گزارشهای منتشره در روز ۱۲ خرداد ۸۶، اعتصاب بیش از ۵ هزار کارگر نیشکر هفت تپه که از آغاز سال جاری تا کنون دستمزدی دریافت نکرده اند، وارد پنجمین روز خود شد. کارگران اعلام کردند که مضمند تا دریافت دستمزدهای خود همچنان به اعتصاب ادامه دهند.

این اعتصاب که در ابتدا در داخل کارخانه بود و فقط کارگران بخش تولید را در بر میگرفت، صبح روز ۱۲ خرداد به بخش اداری نیز سرایت کرد و کل شرکت را در بر

سوسیالیسم بیا خیز!

برای رفع تبعیض

از صفحه ۱ اجلاس نمایندگان بریت

کتابخانه"، والرئ ژیسگارددهسند، رئیس جمهور وقت فرانسه، سران دولت‌های آلمان غربی، ایتالیا، ژاپن، انگلیس و آمریکا را به اجلاسی در رامبولت دعوت کرد. در این جلسه سران این شش کشور توافق کردند تا هر ساله جلسه ای تحت ریاست یکی از شش کشور برگزار کرده و در مورد مسائل مختلف دنیا در فضایی غیر رسمی و به دور از دوربینهای خبرنگاران به بحث و گفتگو بپردازند. یک سال پس از تشکیل این گروه به پیشنهاد جerald فورد، رئیس جمهور وقت آمریکا، کانادا نیز به این گروه پیوست که از آن پس این گروه به گروه ۷ (Group 7) و یا همان (G7) معروف شد. پس از پایان جنگ سرد به پیشنهاد بیل کلینتون، رئیس جمهور سابق آمریکا، روسیه نیز به این اجلاس دعوت شد و پس از آن این گروه به گروه ۸ (G8) تغییر نام داد. اتحادیه اروپا نیز در این اجلاس توسط رئیس جمهور کمیسیون اتحادیه اروپا نمایندگی می‌شود

به رسم معمول این اجلاس، جلسه امسال نیز در کنار تظاهرات بسیار گسترده ای در اعتراض به رهبران این کشورها و سیاستهایشان آغاز به کار کرد. این تظاهرات در اعتراض به سیاستهای کشورهای گروه ۸ در قبال کشورهای فقیر"، در اعتراض به نخبشیدن قروض مالی کشورهای آفریقایی، در اعتراض به جنگ در عراق، در اعتراض به گرم شدن بی رویه زمین (Global warming) بر اثر گازهای گلخانه ای، در اعتراض به ندادن امکانات برای مبارزه با ایدز علی‌الخصوص مقابله با ایدز در آفریقا که این قاره را در معرض نابودی قرار داده است، و در اعتراض به فقر در "کشورهای فقیر" بر اثر جهانی شدن سرمایه برگزار شد. این تظاهرات تحت شدیدترین تدابیر امنیتی و حضور گسترده پلیس شهری، پلیس ضد شورش، پلیس ضد ترور و دیگر شاخه های پلیس آلمان برگزار گردید. رهبران این ۸ کشور تحت شدیدترین تدابیر امنیتی و پلیسی، پشت حصارهای محافظتی و کیلومترها دور از تظاهر کنندگان و مخالفانشان در فضایی "کاملاً دموکراتیک" برای "حل" مسائل

صدور این داروها را به آفریقا نمی دهند تا انحصار صدور این داروها را در اختیار خود داشته باشند. این درحالی است که اپیدمی ایدز قاره آفریقا را در معرض نابودی کامل قرار داده است.

اینها فقط جنبه های کوچکی از مشکلات در سراسر جهان است که گروه ۸ تظاهر به تلاش در حل آنها را میکند. این در حالی است که رهبران گروه ۸ و سیستمهای سرمایه داری تحت کنترلشان مسبب اصلی این مشکلات در سطح جهانی میباشند. این اجلاسها فقط برای منحرف کردن افکار عمومی از مسبب اصلی این مشکلات یعنی خود نظام سرمایه داری، تظاهر به اهمیت دادن به مشکلات در سطح جهان، و گذاشتن سوپاپ اطمینانی بر اعتراضات هر چه گسترده کارگران، زنان و انسان دوستان در سراسر دنیا بر علیه سیاستهای این رهبران کشورهای سرمایه داری است. اگر رهبران کشورهای گروه ۸ را از صحنه سیاست برداشته، سیستم سرمایه داری این کشورها را زیر و رو کرده، کار مزدی را از میان برداریم و به جای آن سیستم سوسیالیستی برقرار کنیم، آنگاه خواهیم دید که چگونه همین ثروت فی الحال موجود این کشورها که اکنون فقط در دست یک عده قلیل انباشته شده است میتوان شرایطی فراهم کرد که مردم در این کشورها در محیطی آزاد و برابر و انسانی و مرفه و امن به زندگی خود ادامه دهند. جمهوری سوسیالیستی در ایران پس از سرنگونی رژیم اسلامی نقطه آغاز مهمی برای تحقق این شرایط خواهد بود. زیرا که با سرنگونی رژیم اسلامی و از بین رفتن نظام سرمایه داری و برقراری جمهوری سوسیالیستی در ایران، کار مزدی از بین خواهد رفت، نظام سود و انباشت ثروت زیر و رو خواهد شد، رفاه اجتماعی برای همگان برقرار خواهد شد، بیمه و درمان رایگان در دسترس همگان قرار خواهد گرفت و درمان اپیدمیهایی چون ایدز در اولویت قرار خواهد گرفت، و با استفاده از بالاترین تکنولوژیهای آترناتیو سوختی و حرارتی از هر گونه لطمه زدن به محیط زیست جلوگیری خواهد شد. آنگاه است که به طور قطع میتوان گفت که زندگی در جمهوری سوسیالیستی در ایران

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیس:

Account nr. 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 60-3 639 60
صاحب حساب IKK

آلمان:

Dariush safa
Konto Nr:894922303
Kredit Institut
Post bank Hannover
BLZ:25010030

کانادا:

TD Canada Trust
A. Mikanik
transit#1672
Institution#504
Acc#6235975

اگر از ایران ارسال میکنید: میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن ۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم. تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.



به الگویی برای دیگر کشورهای جهان تبدیل خواهد شد و از آن پس تظاهرات بر علیه اجلاس سران ۸ امکانپذیر اتکا کند.*

نامه سرگشاده مینا احدی به همه نهادهای مدافع حقوق انسانی متحدانه و بهر طریق ممکن، کمک کنید، خالد هردانی و کبرا نجار را نجات دهیم!

کارگران مجتمع مس سونگون قرارداد موقت را امضا نکردند ۶۰ تن از کارگران به این دلیل اخراج شده اند

روز ۱۲ خرداد کارگران مس سونگون زرقان در استان فارس در اعتراض به اخراج ها دست به اعتصاب و اعتراض زدند و طوماری را که مطالباتشان را مطرح میکرد به مسئولین دادند. مبارزه کارگران در اعتراض به اخراجها در این مجتمع است. مدیریت شرکت به دلیل اینکه کارگران از امضای قرارداد موقت خودداری کرده اند، ۶۰ تن از آنها را از کار اخراج کرده است. این کارگران از ۳ تا ۱۹ سال سابقه کار دارند اما هنوز باید قراردادهای کار موقت را امضا کنند! پیش از آن در روز ۲۴ اردیبهشت این کارگران با برپایی تجمع اعتراض آمیزی خواستار دیدار با مدیر عامل مس ایران و رسیدگی به مشکلاتشان شدند. مهمترین مطالبه کارگران در این دوره خواست امنیت شغلی است. کارگران مصمم هستند که بهیچ وجه قراردادهای موقت را که حقوق ابتدایی آنها را محو میکند، امضا نکنند. کارگران معترض در بخشهایی از طومار اعتراضی شان این طور نوشته اند: "ما کارگران زحمتکش که در طول سالیان متمادی علی رغم انجام کار سخت و خطرناک در شرایط بد در قسمتهای مختلف معدن مس سونگون مشغول به کار هستیم، اینک باید با فقر و تنگدستی دست و پنجه نرم کنیم."

میکنیم که در روزهای آتی مجموعه اقداماتی فوری را باید در دستور گذاشت. تظاهرات و میتینگ اعتراضی، اعمال فشار به جمهوری اسلامی و دامن زدن به یک حرکت و جنبش جهانی علیه اعدام و سنسار روزهای جمعه و شنبه ۱۵ و ۱۶ ژوئن در هر جایی که امکانش را دارید، در مقابل سفارتخانه های رژیم اسلامی و یا در مراکز شهرها تجمع کنید و بر علیه اعدام و سنسار و بر علیه حکم اعدام خالد هردانی و حکم سنسار کبرا نجار تظاهرات کنید. فعالین و مسئولین کمیته علیه اعدام و کمیته بین المللی علیه سنسار خواهند کوشید به همراه سازمانهای بین المللی، اقدامات لازم را برای انجام یک حرکت گسترده جهانی تدارک بینند.

ارسال نامه اعتراضی به سازمان ملل، اتحادیه اروپا، برای اعمال فشار به جمهوری اسلامی ایران برای لغو فوری این احکام از جمله اقدامات دیگری است که باید وسیعا در دستور گذاشته شود.

در همه وبلاگها و سایتهای اینترنتی خبر این واقعه و مجموعه اقدامات را درج کنید!

با پارلمانها و یا کمیسیونهای حقوق بشر در پارلمانهای کشورهای اروپایی و در هر کشوری که امکانش را دارید، تماس گرفته و با آنها ملاقات کنید و خواهان اعتراض فوری آنها به سنسار و اعدامها در ایران و اعتراض فوری به این احکام شوید!

با ما همراه و همصدا شوید و جان دو انسان را از مرگ نجات دهید!

کمیته بین المللی علیه اعدام
کمیته بین المللی علیه سنسار

۲ ژوئن ۲۰۰۷

یک پدیده منحصر بفرد است. پدیده ای دردناک و بسیار سخت و در عین حال این تلفنها و نلرزیدن صدای محکومین به اعدام و سنسار، بیانگر اعتماد و امید آنها به ما و مدافعین حقوق انسانی است. بیانگر قدرت جنبش علیه قتل عمد دولتی است. مردم و خود زندانیان به عین دیده اند، اگر ما تلاش کرده و در ایران و در دنیا اعتراض کرده ایم، اگر ما میتینگ و تظاهرات راه انداخته و با مجموعه اقدامات بین المللی جلب توجه کرده ایم، حکومت اسلامی وادار به عقب نشینی شده و جان تعداد زیادی نجات یافته است. این قدرت جنبش علیه اعدام و سنسار است و این قدرت را باید صد چندان کنیم!

ما که در بیرون از این زندانها هستیم و بویژه ما که از جهنم جمهوری اسلامی نیز فرار کرده و در کشورهای دیگر ساکن هستیم، باید فوراً دست بکار شویم. برای نجات جان کسانی که سالهای سال است با مرگ دست و پنجه نرم میکنند و همین امروز در سیاهچال حکومت اسلامی، لحظات را می شمارند و با هر صدای پاییی و با هر حرکتی قلبشان به طپش در می افتد، "شاید این لحظات آخر زندگی من است!" برای نجات جان اینها باید فوراً به پا خاست!

ما فعالین و دست اندرکاران کمیته بین المللی علیه اعدام و کمیته علیه سنسار از همه سازمانها و نهادهای مدافع حقوق انسانی، از شخصیتها، هنرمندان و هر آن کسی که علاقمند به حقوق و حرمت انسانی است، دعوت میکنیم که در مجموعه فعالیتهای علیه اعدام و سنسار خالد هردانی و کبرانجار، به ما بپیوندید!

برای نجات جان این دو نفر و برای اعمال فشار به حکومت جنایتکار اسلامی، ما اعلام

کبرا نجار در یک قدمی سنسار، خالد هردانی در یک قدمی اعدام این دو نفر محکومین به اعدام و سنسار، از ما درخواست کرده اند به مجموعه اقداماتی بین المللی دست بزنیم.

از زندان رجایی شهر روز شنبه ۲ ژوئن ۲۰۰۷ با ما تماس گرفته و گفته اند که خالد هردانی تحت فشار گذاشته شده، تا سند اجرای حکم اعدام خود را که قرار است در روز ۱۵ تیرماه اجرا شود، امضا کند. این بار جمهوری اسلامی ایران خالد هردانی را به اتهام "محرابه با خدا" میخواهد اعدام کند.

کبرا نجار را در زندان تبریز اجرای حکم سنسار تهدید میکنند. کبرا سه بار به کمیسیون "عفو و بخشش" حکومت اسلامی نامه فرستاده و تقاضای "بخشودگی" کرده است و هر سه بار به او جواب منفی داده اند. اکنون او و وکلای جدید پرونده بر این نظر هستند که تنها شانس نجات کبرای جوان از سنسار، اعمال فشار علیه جمهوری اسلامی و انجام مجموعه فعالیتهای بین المللی است.

خالد هردانی به اتهام هواپیماریی به قصد فرار از ایران دستگیر و محکوم به اعدام شد و اکنون با "جرم" محرابه با خدا میخواهند اعدامش کنند. و کبرا مادر چهار فرزند است. او که دیپلمه و اهل سنج بود، بعد از ازدواج، تحت فشار همسر معتادش مجبور به تن فروشی شده و اکنون به "جرم" رابطه جنسی خارج از ازدواج میخواهند سنسارش کنند.

خطر جان این دو نفر را تهدید میکند. وکلای پرونده و خانواده این دو نفر، خواهان انجام اقدامات فوری برای نجات جان آنها هستند.

تلفن کردن از سلول مرگ و شنیدن صدای محکومین به اعدام و سنسار، برای اینکه کمکشان کنیم،

مرکز پر جمهوری اسلامی
ناپوه یاد سرمایه داری
زنده یاد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ خرداد ۱۳۸۶ - ۷ ژوئن ۲۰۰۷

سایت حزب: www.wpiran.org

سایت روزنه: www.rowzane.com
نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com
سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

نامه ها

نامه هایی به شهلا دانشفر

سلام

من از زندان تماس میگیرم

سلام من از زندان تماس میگیرم. از برنامه های شما در مورد زندانیان سیاسی بسیار سپاسگزاریم. درود بر شما. در آخرین تماسی که داشتم خانواده ام از برنامه شما می گفتند و من از اینکه اینقدر خوشحال بودند با وجود همه سختی سعی کردم با شما تماس بگیرم و از شما تشکر کنم. خانواده های ما را تنها نگذارید. بودن شما در کنار آنها، باعث میشود که در مبارزه برای همه زندانیان سیاسی شجاع باشند. نترسند. به کار بزرگ خود ادامه دهید.

اعتماد به نفس و ثابت قدم بودن جای تقدیر دارد

شهلا جان سلام! قبل از هر چیز خسته نباشید و تبریک برای برگزاری کنگره را از طرف خودم و همسرم و همه دوستانمان عرض میکنم. با توجه به شرایط حساس کنونی بیش از هر چیز این اعتماد به نفس و ثابت قدم بودن جای تقدیر دارد. از اینکه دیر نامه دادم می بخشید. به همه رفقا تبریک و خسته نباشید میگویم. با آرزوی پیروزی نوزان

وقتی سرود انترناسیونال را می شنیدم بی اختیار چشمانم از شادی پر از اشک میشد

سلام فیلم های کنگره را همزمان دیدم. عظمت و شکوه آن قابل وجد بود. وقتی سرود انترناسیونال را می شنیدم بی اختیار چشمانم از شادی پر از اشک میشد. براسستی کنگره انقلاب، کنگره سوسیالیسم، کنگره حزبی بزرگ که عزم جزم کرده که قدرت را بگیرد بود. دستتان را بگرمی می فشارم. باید بیش از هر وقت دست بکار شد و حزب را گامها به جلو برد.

سیروس بهرامی

اسناد و مباحثات کنگره را برایمان بفرستید

با سلام به شما دوست عزیز!

شهلا دانشفر

خانم دانشفر سلام!

من يك معلم هستم. تنها به خاطر اینکه شعر میگویم دستگیر شدم و مدتی را در زندان گذراندم. از برنامه خوب شما در مورد زندانیان سیاسی واقعا استفاده کردم. من تلاش خواهم کرد شما را در این برنامه کمک دهم. با شما در تماس باشم. برای شما آرزوی موفقیت دارم.

همت

معلم

دوست عزیز همت

با سلام و تشکر از اینکه تماس گرفتید. ما برای تهیه برنامه های تلویزیون به گزارشات زنده و اظهار نظر شما دوستان نیاز داریم. میتوانیم با انجام مصاحبه های زنده، تهیه گزارش های واقعی از شرایط کار و زندگی مردم همراه با فیلم و عکس و غیره ما را در تهیه برنامه های پربار و زنده کمک کنید. بویژه شما بعنوان يك معلم میتوانیم همواره گزارشات زنده از وضع زندگی و شرایط کار معلمان و وضع آموزش و پرورش و خواستها و مبارزات آنان برایمان بطور مرتب تهیه کنید تا بتوانیم صدای اعتراض این بخش از جامعه و مشکلات و مسایلهایمان را بطور دایم منعکس کنیم. تلویزیون انترناسیونال و کانال جدید تریبونی است در اختیار کارگران، معلمان، و همه بخش های جامعه و انسانهای آزادیخواه تا صدای اعتراض خود را از آن منعکس کنید. از این تریبون استفاده کنید. با ما در تماس باشید.

سلام

خانم دانشفر چرا از وضعیت بد کار در عسلویه صحبت نمیکنید؟ کارگران در شرایط بد محیطی و گرمای فوق العاده مجبورند از ساعت ۵ صبح تا ۶ بعد از ظهر کار کنند و حقوق بسیار اندکی دریافت کنند.

مهدی از عسلویه

دوست عزیز مهدی

با سلام به شما!

متشکرم که نامه دادید. امیدوارم که با مکاتباتتان و با گزارشاتتان از عسلویه با بیش از ۵۰ هزار کارگر این کمبود را جبران کنیم. البته این را بگویم که ما قبلا گزارشات خوبی

از عسلویه منعکس کرده ایم که دوستان کارگران از آنجا برایمان فرستاده بودند. در چند مورد مصاحبه های مستقیم با دوستان کارگر از این منطقه داشته ایم. در نشریه کارگر کمونیست در شماره ۲۲ گزارشی تحت عنوان يك اردوگاه اجباری کار با ۵۲۰۰۰ کارگر داشتیم که گزارشی تکان دهنده بود و الان این گزارش در سایت کارگران و سات کارگر کمونیست هست. میتوانید مراجعه کنید و اگر نکاتی در تکمیل این گزارشات دارید حتما برایمان بفرستید.

همینطور در برنامه کارگران و يك دنیای بهتر در کانال جدید تلاش کرده ایم از طریق دوستان کارگری که از آنجا با ما در تماس هستند، اخبار این مجتمع کارگری را منعکس کنیم. اما همانطور که شما

توجه کرده اید این اخبار روتین و منظم نبوده و مسایل هر روزه کارگران در این منطقه را نپوشانده است. وجود شما در عسلویه کمک میکند که بتوانیم بطور منظم از آنجا که مجتمعی مهم است اخبار داشته باشیم و وضعیت کارگران و مبارزاتشان را منعکس کنیم، ما را در این زمینه کمک کنید. عسلویه با بیش از ۵۲۰۰۰ کارگر که مرکزی وابسته به صنایع نفت است، اهمیت بسیاری دارد. بارها رژیم از اینکه این منطقه به يك منطقه انفجاری کارگری تبدیل شده و میتواند نظام را زیر خطر برد هشدار داده است. در همین رابطه بود که طی اقدامی و تحت فشار اعتراضات کارگران اعلام کردند که به کار پیمانکارانی که دستمزد کارگران را برای طولانی مدت نمیدهند خاتمه خواهند داد، و دلیل آنرا هم بحرانی بودن منطقه قید کردند. واقعیت اینست که شرایط دشوار کار، وضع نابسامان کار و زندگی در عسلویه، محروم بودن کارگران از اولیه ترین امکانات زندگی، عدم ایمنی شغلی، دستمزدهای ناچیز و به تعویق انداختن دستمزد کارگران برای ماهها از معضلات کارگران در این منطقه است. در تقابل با این وضعیت ما همواره شاهد اعتراض و مبارزه کارگران بوده ایم. در این منطقه برای متحد شدن کارگران شرکت های مختلف در آنجا، برپایی اعتراضات همزمان، برقراری ارتباط بین مجامع عمومی کارگران در شرکت های مختلف و سازمان دادن اجتماعات بزرگ زمینه بسیار

مساعد است. مبارزات همین دو ساله کارگران در عسلویه نشان میدهد که در این جهت کارگران پیشروی های خوبی داشته اند. از اینرو مهم است که ما مرتباً اخبار این مرکز مهم کارگری و مبارزات و شرایط کار و زندگی کارگران در آنجا را منعکس کنیم. با ما در تماس باشید. اخبار این منطقه را مرتباً به دستمان برسانید. خبرنگار ما در عسلویه باشید. بکوشید تا از تلویزیون انترناسیونال صدای اعتراض کارگران عسلویه در همه جا منعکس شود. میتوانید زنگ بزنید و بطور مستقیم در برنامه های ما صحبت کنید و حرفهایتان را بزنید. منتظر نامه ها و گزارشات شما هستیم.

شهلا دانشفر

نامه ای به کیوان جاوید

مذهب در حاکمیت، آخوند در اپوزیسیون

با سلام خدمت آقای کیوان جاوید و با تشکر از برنامه بسیار به جا و منطقیتان. مدتهاست که بنده برنامه شما را از کانال يك مشاهده میکنم واردات خاصی به شما و برنامه تان دارم چرا که شما دقیقاً به همان مسائل و مشکلاتی اشاره میکنید که در وطن ما بسیار شایع و فراوان است. مثلاً همین مسئله بهداشت و درمان که این اواخر بحث برنامه تان بود در ایران مثل غده سرطانی سرباز کرده و همه را به نحوی گرفتار مشکلات متعددی کرده و متأسفانه حتی شخصیتهایی همچون آیت الله سید حسین کاظمینی بروجدی را میشناسیم که بعزت دفاع از دین و بهداشت مردم و مبارزه با فقر و فحشاء و کمک به مردم به اشکال مختلف، بیماران جسمی را با کمکهای مالی و در مرحله بعد با دعا و تذکر به مذهب و دین و توکل بر خدا رهنمون میکرد و بیماران روحی را با نشستن پای صحبتهایشان و با روحیه و امید واری دادن نسبت به معبود یکتا به ترمیم روحیه شان میپرداختند به طوری که میلیونها نفر در ایران و خارج از ایران شیعه و غیر شیعه هواخواه ایشان و از جلسات دعا و توسلشان استقبال میکردند و ایشان

نامه ها

بدون هیچ چشمداشتی به اموال مردم این اعمال بشر دوستانه را انجام میدادند. تا اینکه متوجه شدیم ایشان را در ۱۶ مهرماه سال گذشته دقیقاً در ماه رمضان، ماه رحمت طی يك محاصره ۷۲ روزه دستگیر و با وضع فجیعی به زندان اوین بردند این در حالی بود که خانواده یارانش نیز همراه ایشان بودند. جالب اینجا که در شب درگیری عده بیشمار از یارانش زخمی شده بودند و نیروهای امنیتی راه را برآنان بسته و از بردنشان به بیمارستان امتناع میوزیدند و عده کثیری جان خویش را از دست دادند. علت این امر آن بود که ایشان می خواستند باز هم یکی از همان جلسات مفید خویش را برگزار کنند و دولت حاکم مخالف این امر بود. یعنی مخالف راحتی مردم، مخالف بهبود وضعیت مردم و سلامتی آنها. باور کنید دردمندان بسیاری حتی بیماران لاعلاج بوسیله ایشان بهبود یافتند و هم اکنون خود آن اشخاص شاهدند، حال خودتان قضاوت کنید و همانطور که با عمل انسان دوستانه خویش گامهای سازنده ای برای دفاع از حقوق بشر برمیدارید از این شخصیت که با شما هم عقیده و هم گام است نیز حمایت کنید و الطاف خویش را شامل حال ما نیز بنمائید.

با تشکر

و به امید به بار نشستن فعالیتهايتان سعید

آقای سعید با تشکر از اظهار محبت شما لطفاً در صورت امکان افراد زیر (افرادی که در انتهای این مطلب نام برده شده اند) را هم به "آیت الله" سید حسن کاظمینی بروجردی معرفی کنید تا همچون "میلیونها نفر در ایران و خارج از ایران، شیعه و غیر شیعه" مورد عنایت ایشان قرار گیرند. بگویند حال که جمهوری اسلامی مردم را به خاک سیاه نشانده است لطفاً از همان خدای مشترکتان بخواهید این خانواده ها را مورد لطف الهی قرار دهند. در ضمن از قول ما سلام برسانید و بگویند به فکر سلامتی خودشان هم باشند و شاید با معجزه ای از دست برادران الهی خود که ایشان را به زندان انداخته اند خلاص شود. بالاخره

بلکه کنگره برچیدن هرگونه سلاح و انرژی هسته ای در سطح جهان بود. کنگره ۶ کنگره تولد ترجمه جدیدی از کاپیتال مارکس بود. زنده باد کنگره ۶

به امید اینکه کنگره هفت در فضائی کاملاً سوسیالیستی در میدان آزادی برگزار گردد کنگره ۶ حزب

نگره سوسیالیسم و حزبیت

در مورد کنگره شش نمیتوان در يك پاراگراف نظر و احساس خود را بیان کرد، چرا که سطرها و صفحه ها برای ابراز نظر و احساس در مورد قطعنامه ها و قرارها، سرود انترناسیونال و فیلمی که توسط رفیق غلام اکبری تهیه شده بود و پیامها و عضویت مهمانان کافی نیست.

همه اینها و شور و شعفی که نزد کادرها و اعضای حاضر در کنگره بود، بر من نیز که از طریق سایت آن را دنبال میکردم شور و شعفی را ایجاد کرده بود که نمیتوانم بطور خلاصه آن را بیان کنم.

کنگره شش همانطور که از قطعنامه هایش پیداست نشان داد که سوسیالیسم دست یافتنی است چرا که بطورمشخص فراخور نیاز واقعی جامعه متحول شده امروز ایران است.

این کنگره با قطعنامه ها و قرارها و مصوباتش جنبش اعتراضی مردم را که در اعتراضات خود انقلاب و سوسیالیسم را برای رفع تعیض فریاد می زند رسمیت داده و بخوبی آن را نمایندگی کرد، راه های پیشبرد و متحقق شدن هر چه زودتر آن را با تمام توان خود مطرح کرد و به دنیا نشان داد که می توان این جنبش را به خوبی سازماندهی و رهبری کرد.

به امید اینکه کنگره هفت در فضائی کاملاً سوسیالیستی در میدان آزادی برگزار گردد.

به همگی اعضا و کادرها و رهبری حزب برای برگزاری چنین کنگره موفق و پر دست آورد تبریک می گویم و از همه مردم معترض و آزادیخواه میخواهم که برای تحقق يك زندگی آزاد و انسانی به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندند.

حبیب مهرآبادی
مرکز بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران

کنفرانس

در دانشگاه گوته فرانکفورت

در مورد انتگراسیون

مینا احدی یکی از سخنرانان این مناظره است که از طریق تلویزیون نیز پخش خواهد شد

روز دوشنبه ۱۱ ماه جولای به دعوت انستیتیوی تحقیقات اجتماعی، مینا احدی در يك مناظره در مورد انتگراسیون در آلمان شرکت میکند. موضوع این مناظره بن بست انتگراسیون در آلمان است و سخنرانان عبارتند از: یورگ لاووز روزنامه دی تسایت برلین، ورنر شیف هاوئر دانشگاه اروپایی ویادرینا از فرانکفورت، فردیناند سوترلوتی و گرداننده بحث

پتر کمپر از رادیو و تلویزیون هسایش روند فونک خواهد بود. این برنامه از طرف تلویزیون هسایش روند فونک فیلمبرداری شده و سپس پخش خواهد شد. ساعت شروع جلسه هشت شب روز دوشنبه ۱۱ جولای است. محل جلسه لیترا توره هاوس ۰، در خیابان شونه اوس زیخت شماه ۲ است. از همه علاقمندان دعوت میکنیم در این جلسه حضور بهم رسانند.*

جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار (آی ال او) اخراج گردد!

در اعتراض به حضور نمایندگان جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار و در حمایت از مبارزات کارگران ایران و خواستهای حق طلبانه آنها

روز جمعه ۸ ژوئن ساعت ۱۰ صبح در مقابل مقر سازمان جهانی کار در ژنو دست به تظاهرات خواهیم زد و صدای اعتراض کارگران ایران را طنین انداز خواهیم کرد!

باید تضمین کنیم که حضور سرکوبگران کارگران ایران در مجامع بین المللی به یک رسوایی تمام عیار برای آنها تبدیل شود. ما یکبار دیگر همه سازمانها و اتحادیه های کارگری جهان را فرا میخوانیم که از مبارزه و خواستهای برحق کارگران ایران پشتیبانی کنند و از خواست ما برای اخراج جمهوری اسلامی و خانه کارگر رژیم از سازمان جهانی کار حمایت کنند. همه شما را فرامی خوانیم که در تظاهرات روز

۸ ژوئن هر چه وسیعتر شرکت کنید!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۶ ژوئن ۲۰۰۷ - ۱۶ خرداد ۱۳۸۶

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب